



ولادت با ساعت هشتمین
اختر تابناک آسمان
امامت را پیشاپیش به
کارگران عزیز تبریک و
تهنیت عرض می‌کنیم

اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری



سال چهاردهم
شماره ۱۵۷
اردیبهشت ۱۴۰۳

سال چهاردهم | شماره ۱۵۷ | اردیبهشت ۱۴۰۳

نشریه داخلی اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری

آقای وزیر! گدای محبت شما نیستیم، شورای عالی کار را تضعیف نکنید! گردباد تورم و گرانی، زندگی را برای کارگران و بازنشستگان به جهنم تبدیل کرده است

صفحه ۵

به امید دیگران ننشینیم؛ فریاد
اعتراض مان را بالا ببریم!
وزیر را برکنار کنند؛ به مجامع
جهانی شکایت کنیم

صفحه ۶

خدا و اخلاق؛ غائبین بزرگ
زندگی امروز بشر
از کجا بفهمیم آدم نفهمی
هستیم؟!

صفحه ۷

بحران صندوق های
بازنشستگی یکی از
ابرچالش های دهه اخیر کشور
بوده و هست

درهیمین صفحه



لباس وزارت به تن این وزیر گشاد است

صفحه ۲

حذف شورای عالی کار
با واکنش تند کارگران
مواجه خواهد شد

صفحه ۳

دستمزد ۱۴۰۳ کارگران
چگونه تصویب شد؟!

صفحه ۴

رئیس مجلس می تواند
مصوبه شورای عالی کار
را غیرقانونی اعلام کند

سید مجتبی قریشیان

به قلم سردبیر

نگاه اول

این جور چین، جورشدنی نیست!!



دستمزد سال جاری همانند دستمزد سال ۱۴۰۲ با حاشیه های زیادی همراه شده و جماعت کارگر و بازنشسته را که با نگرانی جلسات شورای عالی کار را دنبال می کردند بکلی ناامید و سرخورده کرد. کارشناسان و خبرگان حوزه دستمزد و البته تشکل های کارگری می گویند: مزد امسال در فضایی غیرمنطقی و به دور از انصاف و غیر قانونی تعیین شد و تصمیمی که گرفته شده با هیچ معیار و خط کشی جور در نمی آید؛ با دستمزد امسال بدجوری چوب لای چرخ زندگی کارگران و بازنشستگان گذاشته اند! چرخه که اصلا خوب نمی چرخد! بگذارید راحت تر صحبت کنم؛ صدای خرد شدن استخوان حقوق بگیران به گوش می رسد!

مزد تعیین شده امسال، عرصه را بر زندگی کارگران و بازنشستگان و در مفهوم عام کلمه بر حقوق بگیران تنگتر خواهد کرد؛ البته قصد سیاه نمایی ندارم اما این روزها کارشناسان و خبرگان اقتصادی عریان و بی ملاحظه از وضعیت وخیم اقشار مختلف جامعه گلایه کرده و آن را نتیجه سیاست های غلط تیم اقتصادی دولت سیزدهم می دانند! کاری ندارم که شورای عالی کار به ریاست جناب وزیر تعاون و کار چه آشی را برای کارگران و بازنشستگان پخته اند؛ ولی این آتش خیلی شور است. مرغ دولت برای نشنیدن سخن به حق کارگران یک پا دارد، تا جایی که نمایندگان کارگر در شورای عالی کار مجبور شدند مصوبه مزد را امضاء نکنند و جلسه را ترک کنند. شورای عالی کار تنها سنگری که کارگران امید داشتند بتوانند از طریق چانه زنی قدری بر سرنوشت اقتصادی خودشان اثر گذار باشند از دست رفته به نظر می رسد و در یک ادعای واهی و کذب نمایندگان کارگر از سوی وزیر کار متهم به قانون شکنی می شدند. حضرات قصد دارند که سنگر شورای عالی کار را قلدرمآبانه فتح کنند و اعتقاد به سه جانبه گرایی ندارند. درباره حاشیه های جلسات پایانی شورای عالی کار در سال ۱۴۰۲ بسیار شنیده ایم تا جایی که نمایندگان کارفرمای این شورا هم از نحوه برگزاری جلسات و تصمیمات گرفته شده تعجب کرده اند! اگر چه نمایندگان کارفرما پشت سر نمایندگان دولت پنهان شده بودند، آنچه امروز اهمیت دارد این است که چرا اصل مهم سه جانبه گرایی در این شورا نادیده گرفته می شود و جمعی از بزرگواران به ریاست آقای وزیر کار به خود اجازه می دهند راجع به سرنوشت خیل کثیری از کارگران و بازنشستگان تصمیمی بگیرند که کل سال را برای آنان تلخ می نمایند! امروز تشکل های کارگری و بازنشستگان به شدت نگران زیر سوال رفتن ماهیت شورای عالی کار و تصمیمات این شورا هستند؛ اعتراضات ره به جایی نمی برند و گویی مسئولان فریادها را نمی شنوند! بی خردی و لجباعت جای منطق و قانون را گرفته و کارگران و بازنشستگان قربانیان اصلی این وضعیت هستند! ولی یک چیزی مسلم و آشکار است این مسیر بن بست است و این خوابی را که شما برای بیش از نیمی از جمعیت کشور دیده اید تعبیر نخواهد شد. دلسوزان می گویند: آقای وزیر گویی قصد دارند بدعتی نو برای مقوله مهم مزد ایجاد کنند و آن سپردن بحث تعیین حداقل مزد به مجلس است؛ جایگاه شورای عالی کار چیست و چرا این چنین مورد بی احترامی و هجمه قرار گرفته؟! روی سخن ما با عزیزانی است که در دوسال گذشته هرطوری که خواستند اراده کرده و عمل نمودند؛ جورچینی که شما با توسل به زور می خواهید قطعات آن را جور کنید؛ جور شدنی نیست. توصیه می شود که تا دیر نشده به نقطه نظرات دلسوزان و کارشناسان گوش فرادهید و از ادامه این مسیر بن بست صرف نظر کنید. و مشکل را تبدیل به بحران و ابرچالش نکنید. که صلاح همه در این است و لاغیر.

سید مجتبی قریشیان - نادر ملک پور

تحلیل

سخنی با دولت محترم و وزیر ارجمند تعاون و کار؛

گردباد تورم؛ زندگی را برای بازنشستگان به جهنم تبدیل کرده!

بازنشستگان؛ پیران خرد و آیین شغلان هستند! از این جور صحبت ها بسیار گفته اند و فراوان شنیده ایم! در عمل چه؟ امروز بازنشستگان محترم تامین اجتماعی - کارگران بازنشسته - در چه وضعی هستند؟ آنانی که عمرشان را پای دستگاه های تولیدی گذاشتند؛ آنانی که نام مبارک کارگر را یکدک می کشیدند؛ امروز حالشان چگونه است؟ یک فعال کارگری در گلایه مندی از وضعیت حقوقی کارگرانی که یک عمر تلاش آنها سازمان عریض و طویلی به نام تامین اجتماعی را به وجود آورده می گوید: چگونه است که بازنشستگان محترم تامین اجتماعی - کارمندان - به هنگام بازنشستگی رقم هایی در حدود ۱۷ میلیون تومان می گیرند و کارگران بازنشسته با هزارویک چانه زنی با ماهی ۱۰ میلیون و حتی کمتر از این ها زندگی کنند؟! دولت محترم شامل تمامی مدیرانش می گویند وضعیت اقتصادی آحاد مردم از جمله کارگران و بازنشستگان رو به بهبود است و برخی وزیرانش از جمله وزیر محترم تعاون و کار چنان ژست می گیرند که گویی انقلابی در معیشت کارگران و بازنشستگان به راه انداخته اند!

تا چند سال پیش می گفتند بازنشستگان آیین شغلان امروز هستند و امروز کسی را سراغ نداریم که این مطلب را تایید کند! وضعیت این عزیزان به حدی بحرانی است که هیچ جواتی امروز حاضر نیست نام مبارک کارگر را به یکدک بشود و عمرش را در کارخانه های تولیدی تلف کند!

گردباد تورم و طوفان گرانی ها در تمامی عرصه های زندگی شدت گرفته و هیچ نان آوری نمی داند که چگونه باید کشتی به گل نشسته زندگی را به ساحل آرامش برساند! دولتمردان محترم! مسئولان گرامی! مجلس نشینان شریف! گردباد تورم زندگی را برای بازنشستگان و کارگران به جهنمی سوزان تبدیل کرده و نمی دانند که باید چه کرد؟!

پیشکسوت کیست ... ؟

حرفش شنیدنی، دستش بوسیدنی، نقطه نظر آتش پذیرفتنی و خودش همیشه دوست داشتنی

پیشکسوت کیست ... ؟
آنچه در خشت خام می بیند، دیگران در آیین هم نمی بینند؛ پیشکسوت با زشتی ها می ستیزد، نمی گریزد و هنر را در ایستادگی و پایداری می بیند نه در فرار!

با عزت و شرف زیستن را بر زیستن به هر قیمتی ترجیح میدهند! فقیر باش حقیر نباش!

پیشکسوت با مردم می خندد نه به مردم!
پیشکسوت پرچم دار است؛ نه پرچم!

پیشکسوت مدیر است نه مطیع!
مهر است نه مهره!

درخت بیابانی است نه درخت خیابانی!

پیشکسوت کارهایش را در مسیر معقول هدایت میکند و به انتهای معقول میرساند، عاقلانه فکر میکند، عاشقانه عمل میکند، از حق با زیبا و تفرقه اندازی دوری میکند جمال در زبان اوست کمال در نفس او!

پیشکسوت در عرصه زندگی سکان دار است نه دکان دار!
بسیار اندک و مفید میگوید، دل او سرای راز هاست!

پیشکسوت کبک طریقت بود و غاز بلند پرواز حقیقت شد، قطره بود و دریا شد، ذره بود و آفتاب شد

ادب از ارکان شخصیت والای اوست و حاصل ان متانت روحیت، اهل ایمان است

پیشکسوت دو دل دارد، دلی که درد می کشد و پنهان است و دلی که می خندد و آشکار است!

پیشکسوت دو خصلت دارد، دلش سخن پذیر و سخنش دلپذیر!
پیشکسوت معنای ارزش های انسانی، زیبایی های روح و سرمایه های شعور هنر و ایمان عشق را می فهمد!

از نظر فکری عمیق ترین، از نظر اخلاق مترقی ترین، از نظر انسانی سازنده ترین، پیشکسوت مسربه آستان کسی فرود نمی آورد اگر چه قامت کمان دارد، نه جبه میخاورد و نه مال، پیغام و پسغامی ندارد، هیچ تمنا و آرزویی ندارد غیر از جذب رضایت باری تعالی!

او دلیل و پیشوای قافله است!
درد خدا بر همه پیشکسوتان کشور خاصه پیشکسوتان جامعه کارگری ایران!

ارادتمند شما / حسن صادقی

علیرضا محبوب دبیرکل خانه کارگر : گناه تورم را بر گردن افزایش حقوق کارگران نگذاریم



محبوب ادامه داد: حل مشکل مسکن یا حتی حرکت دولت در جهت حل مسئله مسکن کارگران، علقه‌های دولت و کارگران را تقویت خواهد کرد. دبیرکل خانه کارگر با اشاره به تاکید اخیر رهبر انقلاب در دیدار با کارگران درباره امنیت شغلی اظهار کرد: در ملاقات امسال رهبری نسبت به مسئله امنیت شغلی کارگران تاکید ویژه‌ای داشتند. همه کارگران ما

دبیرکل خانه کارگر گفت: حل مشکل مسکن کارگری یا حتی حرکت دولت در جهت حل مسئله مسکن کارگران، علقه‌های دولت و کارگران را تقویت خواهد کرد.

علیرضا محبوب (در حضور سیدابراهیم رئیسی (رئیس جمهور) و سیدصورت مرتضوی (وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی) در گردهمایی «معرفی منتخبان جشنواره ملی امتنان از کارگران و واحدهای نمونه» در روز کارگر به بیان نقطه نظرات خود پرداخت.

وی در رابطه با حقوق کارگران با بیان اینکه «افزایش مزد کارگران اثری بر تورم ندارد» اظهار کرد: افزایش کمک هزینه مسکن کارگران موضوع درستی است که مطرح شده است. قبلاً توافقاتی درباره خود موضوع تأمین مسکن کارگران شده بود. امروزه مسکن از و امکان تهیه آن از مواردی است که از دسترس کارگران خارج شده است. پرداخت مبالغ اولیه از جمله مواردی است که قانون کار در ماده ۱۴۹ برای کارفرمایان و دولت پیش بینی کرده است که امیدواریم رئیس جمهور آیین‌نامه‌ها و ترتیبات آن را با دستور خود معین کنند.

معاون دبیرکل خانه کارگر در مراسم بزرگداشت روز جهانی کارگزار سیاست های دولت و تأمین اجتماعی انتقاد کرد؛

حذف شورای عالی کار با واکنش تند کارگران مواجه خواهد شد بازنشستگان دیگر الگوی کارگران نیستند!

علی خدایی؛

انتقاد از سیاست حذف سه‌جانبه‌گرایی

علی خدایی، یکی از فعالان جامعه کارگری در ادامه این مراسم با انتقاد از تصمیم و آگذاری تعیین دستمزد به مجلس گفت: دولت با برنامهریزی از پیش تعیین شده به دنبال حذف سه‌جانبه‌گرایی است و به دنبال اصلاح قانون تعیین حداقل دستمزد است. دستمزد کارگران یکبار در سال با حضور نمایندگان کارگری تعیین می‌شود و همین موضوع دلخوشی هر چند اندکی برای کارگران است، دولت می‌خواهد همین دلخوشی را هم از کارگران بگیرد. به افزایش ۵۷ درصدی دستمزد سال ۱۴۰۱ اشاره کرد و گفت: در سالی که با حذف ارزش ترجیحی، تبعات افزایش تورم را بر جامعه تحمیل کردید، دستمزد ۵۷ درصد افزایش یافته بود. در آن سال نسبت به سال دیگر اتفاقاً اشتغال بهبود یافت و نرخ تورم به نسبت کمتر بود. یعنی با وجود تصمیم شما برای حذف ارزش ترجیحی ما وضعیت بهتری نسبت به سالی که دستمزد افزایش چندانی نداشت داشتیم. نماینده کارگران گفت: چرایی‌های رفتاری می‌کنید که فکر کنیم با دلخوشی مردم مشکل دارید؟ شما با استناد به آیین‌نامه داخلی نماینده کارگران احذف می‌کنید اما اساساً نص صریح قانون و ماده ۴۱ را کنار می‌گذارید و تاکید کرد: دستورالعملی کار تنها جایی است که قانون برای حضور نمایندگان کارگران و تصمیم‌گیری برای مسائل آن‌ها از جمله دستمزد تعیین کرده‌شده‌امی خواهید همین راهم از کارگران بگیرید. اگر بناسش شورای عالی کار حذف شود تمام شوراهای دیگر راهم حذف کنید و مسئولیت کار آن‌ها را به مجلس سپارید. خدایی گفت: شما توان گفتگو با ما را ندارید و واهل آن را احذف ساختار سه‌جانبه‌گرایی می‌دانید؟ اتفاقاً گاهی‌ها از شما و عملکردتان در شورای عالی کار هم وجود دارد. معاون وزیر کار تکلیف قانونی و شرعی برای اجماع گروه کارگری و کارفرمایان دارد اما توانایی این کار را ندارد. ایشان می‌گوید با واکنداری کار تعیین دستمزد به مجلس، اتهامات را از شورای عالی کار برمی‌داریم. شما به مسئولیت خود عمل کنید اگر توانایی ندارید نمی‌توانید این حق را از کارگران بگیرید. نماینده کارگران تاکید کرد: وظیفه دولت نظارت بر روابط بین کارگر و کارفرماست نه تحمیل نظر خود به آن‌ها. اتفاقاً بزرگترین گلايه‌ها به خود شماست

است. شما افزایش حقوق را براساس مرکز آمار محاسبه کردید و تورم اعلامی این مرکز یعنی ۴۲.۳ درصد را ملاک تصمیم‌گیری قرار دادید. ولی آنچه که افزایش دادید ۳۵ درصد بود! شما کدام مرجع را قبول دارید؟ اگر بانک مرکزی را قبول ندارید، حداقل به نظر مرکز آمار توجه می‌کردید و حقوق را ۴۲ درصد اضافه می‌کردید. جالب است تورم از نظر بانک مرکزی ۵۲ درصد در سال ۱۴۰۲



افزایش داشته است؛ این در حالی است که مزد و حقوق را برای کف بگیران ۳۵ درصد افزایش دادند. پیام ما به رئیس جمهور این است که مردم ما با متانت و بردباری خود را کنترل کردند و در حوزه معیشتی بر دولت به خاطر این نوع مدیریت، سخت نگرفته‌اند. این ادعا که رشد اقتصادی ۸ درصد داشتیم بقول رهبر انقلاب بهتر بود در سفره مردم حس شود. مقامات محترم با طرح مسائل ذوقی و غیرکارشناسی نمک بر زخم مردم نریزند. تشکل‌های کارگری ما نیز باید نگاه خود به جامعه کارگری را اصلاح کنند و نگاه خودشان را با جامعه کارگری هم صدا و همراه کنند. اینکه گفته‌اند مزد در مجلس به جای شورای عالی کار تعیین شود، مورد تایید ما فعالان کارگری و کارگران و بازنشستگان کشور نیست و در مقابل آن خواهیم ایستاد و اجازه نخواهیم داد بستر حضور خودی‌های دولت به واسطه مجلس در شورای عالی کار فراهم آید. وزیر کار و معاونت روابط کار بدانند که سه‌جانبه‌گرایی فرمول برگرفته از سازمان بین‌المللی کار است که آنان به راحتی قادر به تغییر آن باشند.



حال کارگر و بازنشسته ما خوب نیست و این جامعه که نیمی از کشور است اگر حالش خوب باشد، حال کل جامعه خوب خواهد بود.

شما توان گفتگو با ما را ندارید و واهل آن را حذف ساختار سه‌جانبه‌گرایی می‌دانید؟

اما مشروط به این است که زور کارگران پشت سر مذاکره کننده باشد و شرایط مذاکره عادلانه باشد. این فعال کارگری درباره افزایش حقوق بازنشستگان گفت: اگر با اجرای متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان تا ۲۵٪ نیز ماه‌آبادی صورت نگیرد در کف میدان این حق را خواهیم گرفت. افزایش سایر سطوح ما باید ۲۲ درصد به علاوه ۷۰۰ هزار تومان باشد و حداقل بگیران نیز مانند کارگران کف بگیر ۳۵ درصد افزایش یابد و ما از آن عدول نمی‌کنیم. وی همچنین در هجدهمین جشنواره نشان خدمت به قانون کار اظهار کرد: مزد و حقوق با تورم کف جامعه متناسب نیست. ما ۲۴۵ درصد افزایش قیمت دلار در یکسال اخیر را شاهد بودیم و این در حالی است که نرخ افزایش تورم در همین بازه زمانی فقط ۱۱۹.۰۳ درصد بوده که در مقابل، حقوق بازنشستگان و کارگران افزایش ناچیزی داشته است. قدرت خرید ما کارگران و بازنشستگان نسبت به سال گذشته ۵۲ درصد کاهش یافته است. هدف ما در مذاکرات مزدی، حفظ قدرت خرید کارگران است و نه برجسته کردن این موضوع که ما هم در ایران سه‌جانبه‌گرایی داریم. از طرفی بانک مرکزی هم تورم نقطه به نقطه را در اواخر اسفندماه سال گذشته ۵۲ درصد اعلام کرده

باعث شده بازار کار ایران را در اختیار اتباع قرار بگیرد و ما در برابر این مسأله سکوت نخواهیم کرد. هیچ کس حق ندارد منویات رهبری را در مورد مسائل کارگران و بازنشستگان را نادیده بگیرد زیرا تحقق آن‌ها به نفع جامعه و کشور است.

تأمین اجتماعی؛ اما امتداد اموال است!

حسن صادقی با اشاره به دست درازی دولت در اموال سازمان تأمین اجتماعی اظهار کرد: مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی باید امانت دار اموال بازنشستگان باشد اما مدیرعامل سازمان ما منویات رئیس جمهوری را در سازمان پیاده می‌کند که دانشی در حوزه کار و تأمین اجتماعی ندارد. وی افزود: جرات ندارند بگویند سازمان حسابرسی کشور ۲۲۰ هزار میلیارد تومان تا ۳۰۰ هزار میلیارد تومان از مطالبات ما بازنشستگان و تأمین اجتماعی را به خاطر ضریب‌ها به اشتباه حذف کرده و با در نظر گرفتن این مبلغ امروزه بدهی دولت به سازمان به ۹۷۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. این فعال کارگری تصریح کرد: به بیان رهبری سیاست‌های تأمین اجتماعی باید در قالب رد دیون و پرداخت بدهی دولت به سازمان و عدم افزایش تعهدات دارای بار مالی من غیر حق انجام شود. مطالبات کارگران جز دیون کارفرمایان است. ماده ۴۹ و ۵۰ تأمین اجتماعی جز مطالبات حیاتی تأمین اجتماعی دیون ممتازة تأمین اجتماعی را نشان می‌دهد و بدهی دیگران به تأمین اجتماعی فقط دیون کارفرمایان نیست. باید وزیر کار به عنوان نماینده کارگران در برابر دست‌اندازی به اموال تأمین اجتماعی سکوت نکند. صادقی تاکید کرد: ما در برابر این بی‌توجهی باید مطالبات تأمین اجتماعی سکوت نمی‌کنیم. سوال ما از سازمان حسابرسی این است که آیا ارزش پول ما به اندازه دهه هشتاد و هفتاد است؟ اگر پولی در آن زمان وجود داشت، ارزش آن صد برابر تغییر کرده است. ما از حقوق خود که باید بر روزرسانی شود عدول نمی‌کنیم. رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری تاکید کرد: ما امروز گردهم آمدیم آنچه رهبری درباره کارگران شاغل و بازنشسته گفتند، باید محقق شود. تشکل‌های کارگری ما نیز باید نگاه از بالا به پایین خود مانند احزاب و تشکل‌های کاغذی را تغییر دهند. مذاکره ما زمانی موفق می‌شود که جامعه کارگری از نمایندگان خود حمایت کنند. میز مذاکره همیشه خوب است

معاون دبیرکل خانه کارگر و رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در مراسم روز جهانی کارگر گفت: امروز جمع شدیم تا بگوئیم آنچه امروز می‌خواهیم در گذشته با زحمت محقق شده بود و امروز می‌خواهیم از آن‌ها یاد بگیریم.

حسن صادقی افزود: نگاه رهبر معظم انقلاب این است که کرامت انسانی کارگران حفظ شود و کارگر بازنشسته آیینة آینده کارگر شاغل است. اگر وضع بازنشسته ما خوب باشد، شاغل ما انگیزه پیدا خواهند کرد. کارگران حامی منافع ملی و نظام هستند و باید به تجمعات گرامی داشته شوند و اگر نبودند مانند کارگران فولاد و هفت تپه، خصوصی‌سازی غیراصولی به کیان کشور ضربه می‌زد. تهدید کارگران به زیان کشور است و منویات رهبری در حوزه اجتماعات کارگری نباید روی زمین بمانند. اجتماعات آزاد صنفی مابعد عزت نظام و کشور می‌شود.

حال کارگران و بازنشستگان خوب نیست!

معاون دبیرکل خانه کارگر با اشاره به اینکه ما جامعه کارگری از کوچکتر شدن سفره‌مان هراسان می‌شویم، گفت: رهبر انقلاب در اظهار نظری که در جهان در جایگاه رهبری بی‌نظیر است، اظهار کردند که حال کارگر و بازنشسته ما خوب نیست و این جامعه که نیمی از کشور است اگر حالش خوب باشد، حال کل جامعه خوب خواهد بود. وی تصریح کرد: این بیرق ماست که زیر سایه آن ما می‌توانیم مطالبه‌گری کنیم. وی گفت: در بحث تشکل‌های کارگری و سه‌جانبه‌گرایی ما شاهد سرریز شدن سه‌جانبه‌گرایی توسط دولت هستیم که می‌خواهند شورای عالی کار را برخلاف مقاله نامه‌های ۹۸ و ۸۷ سازمان جهانی کار، در موضوع مزد خلع سلاح کرده و تصمیم‌مزدی را به مجلس سپرد. پیام ما این است که ما کارگران ایران محکم در برابر حذف شورای عالی کار در موضوع مزد می‌ایستیم. معاون دبیرکل خانه کارگر بیان کرد: وقتی دولت تورم دستکاری شده ۴۲ درصدی بانک مرکزی را برای سال گذشته هم قبول نمی‌کند و با ترک نمایندگان کارگری از جلسه تعیین مزد، به ۳۵ درصد افزایش غیرقانونی و برخلاف ماده ۴۱ قانون کار رای داده و تصویب کردند. اکنون نیز می‌خواهند به اسم اصلاح قانون کار به کارگران ضربه بزنند. ما کارگران و فعالان کارگری محکم در مقابل تغییر یک‌جانبه قانون کار می‌ایستیم و وی افزود: سیاست‌های دولت

یکی از نمایندگان کارگری شورای عالی کار تشریح کرد؛ دستمزد ۱۴۰۳ کارگران چگونه تصویب شد؟!



راه اندازی کرده است، بصورت دستوری امر ونهی کند که چقدر حقوق پرداخت کند. نظام تعیین حقوق برای بخش خصوصی در تمام دنیا بر اساس اصل چانه زنی و توافق بین طرفین می باشد در اینجا این سوال مطرح می شود که مگر میشود مجلس بیاید و در مورد اموالی که متعلق به دیگری است تصمیم بگیرد، اینکه دست درازی به مال دیگری است و مخالف اصل مالکیت است. از طرف دیگر آقایان سعی نکنند که مضحکه مجامع بین المللی شوند و این اظهار نظرهای سخیف را در خصوص دستمزد نداشته باشند. در حالیکه خودشان در سازمان بین المللی کار، بعنوان رئیس هیئت مدیره بخش آسیا و اقیانوسیه قرار دارند و به کشورهای دیگر توصیه به حفظ نظام چانه زنی و شنیدن صدای کارگر می کنند، چگونه است که در اینجا این بحث ها را مطرح می کنند. اینکه نمایندگان کارگر در شورای عالی کار را منتصب به یک جریان خاص می کنند، مشخص است که افراد امنیتی و سیاسی آمده اند در یک فضای صنفی قرار گرفته اند که هیچ سنخیتی با این فضا ندارند و تصور می کنند که اینجا هم یک نهاد سیاسی است و همانطور که کشور، برای زیاده خواهی های حزبی خودشان دچار بحران کرده اند، اینجا را هم می توانند بحران کنند. برای ما خواست جامعه کارگری و باز نشستگان مهم است، برای ما اصل نظام خط امام و رهبری مهم است برای ما مهم نیست که خط آقای مرتضوی و تفکر پایدارچی ما چیست؟ ما عهد اخوت با هیچ دولت و حزبی نیستیم، مسائل صنفی برای ما مهم است. برای ما این اهمیت دارد که کارگری به کار مشغول شود و زندگیش اداره شود و اینکه بخواهند ما را به جریان خاصی نسبت دهند کذب محض است و زشت ترین حرفی بود که یک وزیر کار می توانست در زبان بیایرد، وزیر کار باید صدای ما در هیئت دولت باشد ولی این وزیر کار رودر روی ما قرار گرفته است، او ما را منتهم می کند که به جریان خاصی وابسته هستیم وزیر باید شفاف سازی کند که جریان خاص چیست، این امر باید حتما پیگیری شود جامعه کارگری از این حق خود کوتاه نخواهد آمد وزیر باید حتما بیاید و در یک فضای رسمی تفهیم کند که ما از کدام جریان خط می گیریم. اگر وزیر اینکار را نکند ما از مجلس محترم خواستار استیضاح وزیر در اولین فرصت ممکن هستیم.

اما... توصیه آخر!
توصیه من به تشکیل های کارگری این است که خودشان برای احقاق حق خودشان با یکدیگر همدست و متحد شوند و با اشخاصی که در دولت نفوذ کرده اند نشینند و با آنها برای تامین منافع خودشان همدست نشوند و اینکه با فضا سازی رسانه ای بتوانند قانون را عوض کنند زهی خیال باطل. توصیه می کنم که حتما از این مسیر برگردند به مسیر کارگران. اگر برای منافع خودشان آمده اند این را اعلام کنند مضافا اینکه آن ملک غصب شده ای سازمان تامین اجتماعی را که متعلق به نسل های مختلف آینده است را حتما بر اساس تعریف سازمان بین المللی کار یک نفر نمی تواند خودش را تشکیل بنامد. نمایندگان کارگر در کارگاهها

آنها را باور نکرده و در مورد تعیین دستمزد به اجماع نرسیدند و از، امضای مصوبه دستمزد خودداری کردند. حرف اصلی و سخن ما این بود که با یک روخوانی ساده از قانون کار میتوان فهمید و درک کرد که این مصوبه دستمزد خلاف قانون و نقض آشکار ماده ۴۱ قانون کار است. فضای مذاکرات طوری بود که نمایندگان دولت بنا را بر این گذاشته بودند که گوشی برای شنیدن نداشته باشند و نظرات خود را بر دیگران تحمیل کنند. با ما طوری برخورد می کردند که گویی ما محکوم شده ایم و آنها باید امتیاز بگیرند. ولی واقعیت این است که ما شهروند همین کشور هستیم و این را باید وزیر کار و نمایندگان کارفرما بدانند، ولی متأسفانه، اینطور به نظر می رسد که این را نمی فهمند و درک نمی کنند. در مدتی که ما سعی کردیم با سکوت فضا را آرام کنیم تا در فضای آرام کار کارشناسی صورت بگیرد. ما هیچ وقت میز مذاکره را ترک نکرده ایم، که فضا را متشنج کنیم. اینکه با منافع صنفی ما برخورد سیاسی شود و ما نتوانیم حرفمان را بر زمین اصلا درست نیست و یک کار غیر قانونی و غیر منطقی است. آنها بطور مدام در حال مصاحبه هستند و خط و نشان می کشند و تهدید می کنند که ما قانون را اصلاح می کنیم، با توجه به اینکه شورا های اسلامی کار دارای یک انسجام خوبی است و افراد مطالبه گری در این تشکل وجود دارند و در مقابل زیاده خواهی های آنها ایستادگی می کنند آنه دائما فضا را ملتهب می کنند و تخریب انجام می دهند و افکار عمومی را نسبت به نمایندگان کارگران مشوش می کنند. این واقعا بدترین نوع مذاکره و بدترین نوع عملکرد و زشت ترین نوع مدیریت است که در کلیه ادوار، ما توانستیم در شورای عالی کار شاهد باشیم، آن را در زمان آقای مرتضوی مشاهده کردیم. متأسفانه ایشان با همین روش غیر قانونی و غلط به پیش می رود و ما هم قضاوت را به افکار عمومی می سپاریم ما هیچ وقت میز مذاکره را ترک نکرده ایم و بر سر مواضع قانونی خود ایستاده ایم. همان قانونی که آقای مرتضوی را بعنوان رئیس شورای عالی کار منصوب کرده است همان قانونی را که هم بعنوان صاحب رای و حق امضاء و دارای کرسی در شورای عالی کار منصوب کرده است. همانطور که من به مقام ایشان احترام می گذارم ایشان هم وظیفه دارد که به مقام من احترام بگذارد من در جایگاهی قرار دارم که بعنوان نمایندگان کارگران و مطالبه گر و صدای کارگر در شورای عالی کار هستم. ایشان به هیچ وجه حق ندارد که با نمایندگان کارگر در شورای عالی کار چنین برخوردی داشته باشد. همه مشاهده کردند که وزارت کار دائما به دنبال ایجاد هیجه رسانه ای علیه نمایندگان کارگر می باشد و سعی می کند که آنها را بدنام کند که خوشبختانه امسال تیرشان به سنگ خورد.

تعیین دستمزد در مجلس!

تعیین دستمزد بخش خصوصی ارتباطی با مجلس ندارد مجلس در قانون بودجه سالانه اظهار نظر می کند و بر درآمد و هزینه های دولت نظارت دارد و برنامه اقتصادی دولت را می نویسد و بخش بسیار کوچک و ناچیزی از بودجه دولت را حقوق کارگران شغال در مشاغل دولتی تشکیل می دهد که لاجرم مجلس بودجه ای را هم برای آنها می نویسد. مجلس به هیچ عنوان نمی تواند که برای کارگران بخش خصوصی و کارفرمایان بخش خصوصی که با سرمایه خودش کسب و کاری

ما مغرضانه عنوان می کند که اگر نمایندگان کارگر جلسه را ترک نمی کردند می توانستند درصد بیشتری بگیرند و فقط آن یک دقیقه آخر لازم شد که ما بنشینیم و با گفتگوی غیر کارشناسی و اینکه من بمیرم، تو بمیری به درصد بالاتری برسیم و این در حالی بود که شما مسائل کارشناسی که در این خصوص صورت گرفته بود را قبول نکردید، اصلا قرار بود چه معجزه ای در آن یک دقیقه آخر اتفاق بیفتد که در آن ۱۹ جلسه اتفاق نیفتاد. کارگران عزیز که جامعه هدف ما

با یک روخوانی ساده از قانون کار میتوان فهمید و درک کرد که این مصوبه دستمزد خلاف قانون و نقض آشکار ماده ۴۱ قانون کار است.

آقایان سعی نکنند که مضحکه مجامع بین المللی شوند و این اظهار نظرهای سخیف را در خصوص دستمزد نداشته باشند

هستند و همچنین باز نشستگان گرامی که بدلیل پیوستگی مواد ۹۶ و ۱۱۱ قانون تامین اجتماعی با هیجان و دلهره زیادی جلسات شورای عالی کار را دنبال و پخش مستقیم آن را از رسانه و شبکه های اجتماعی تماشا می کردند، دیدند که نمایندگان نشان چگونه پای منافعشان ایستادگی کردند. در طرف مقابل دولت قرار داشت که از همان اول بطور مدام گروه کارگری را تهدید به رای گیری میکرد و مطمئن بود که گروه کارفرمایی با او همراهی می کند، نمایندگان کارفرما هم مرتب اصرار داشتند که چرا ما باید اینقدر وقت صرف کنیم می خواستند بدون اینکه حرفهای جامعه کارگری را بشنوند با رای گیری مزد را تمام کنند، و قتیکه نتیجه نگرفتند ناراحت شدند و گفتند چرا شما باید به این جلسات بیایید و، وقت ما را بگیرید ما از سال آینده تعیین مزد را به مجلس می دهیم و مجلس هم بر اساس نظر ما عمل می کند، گویی نمایندگان مجلس منتظرند تا ببینند که آقای مرتضوی چه می گوید و آنها آن را تصویب کنند. این ادبیاتی بود که آقایان استفاده می کردند. حالا با انکار کردن و شوهای تبلیغاتی راه انداختن و صورت مسئله را پاک کردن و با استفاده از بعضی از عناصر پول و پروژه بگیر علیه نمایندگان کارگر جوسازی کردند. من معتقدم که این روشها جواب نمی دهد. همه شاهد صداقت نمایندگان کارگر و پافشاری آنها روی اصول درست و کارشناسی خودشان بودند. از طرفی هم شاهد مواضع بسیار پوچ گروه کارفرمایی و همچنین آقای مرتضوی که به حرفهای خودش هم اعتقادی نداشت بودند.

چرا نمایندگان دولت به ویژه وزیر محترم کار خلف وعده می کنند؟!

رویه ای که وزیر کار امسال اتخاذ کرد این بود که بطور مرتب در رسانه ها القاء کند که گروه کارگری آمده است تا زیر میز مذاکره بنزد و مصوبه مژد را، امضاء کنند و قانون را هم قبول ندارد و سعی می کرد که نمایندگان کارگر را یک گروه ضد قانون و قلدل نشان دهد که سعی می کنند با زور چیزی را بگیرند. ولی خدا را شکر با سیاستی که گروه نمایندگان کارگری بخرج داد و با توجه به سابقه ای که از نمایندگان گروه کارفرمایی و دولت داشت که اینها دارند دروغ پردازی می کنند و به عهدشان وفا نمی کنند، امسال خدا را شکر نمایندگان گروه کارگری در شورای عالی کار دروغگوئی

بصورت موقتی انتخاب میشوند و نمایندگی کارگر را موقتا بهعهده می گیرند تا زمانیکه شورای اسلامی کار تشکیل شود، اما ظاهرا این امر بر آقایان مشتبه شده که یک تشکل هستند، اینها تا تشکیل شورای اسلامی کار در کارگاه نماینده موقت هستند و تشکل محسوب نمی شوند، کار به اینجا رسیده که این حق را، برای خودش قائل است که باید به مساوات و در کنار شوراهای اسلامی کار دارای حق رای باشد، این موضوع قبالا هم مطرح شده است. اما پروپال دادن به اینها سناریوی از پیش تعیین شده ای بود که با آن بتوانند کار خود را پیش ببرند و بازیهایی را که سر دستمزد ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ در آوردند تکرار کنند اما امسال اینها... ما با توجه به تجربه ای که داشتیم و دیوار بلند بی اعتمادی که بین ما و، وزارت کار وجود داشت، باعث شد که مانند سنوات گذشته به اینها اعتماد نکنیم و راه خودمان را طی کنیم. علی رغم اینکه از ابتدای سال عضو ارشد و تاثیر گذار مارا دعوت نکردند و به بهانه های واهی و مکاتبات محرمانه از حضور او در جلسات شورای عالی کار مانع بعمل آوردند و از طرفی هم با سایر تشکل ها بحثی را رقم زدند و سعی کردند گروه کارگری که در شورای عالی کار حضور دارد را در موضع ضعف قرار دهند و به لحاظ چانه زنی آنها را در انزو قرار دهند تا بتوانند پایگاه اجتماعی نمایندگان کارگر را در شورای عالی کار ضعیف کنند. در اینجا باید تشکری داشته باشم از جناب آقای علیرضا میرغفاری علی رغم اینکه تشکل ایشان مکاتبه کرده بود اما او نشان داد که نماینده واقعی کارگر است و نماینده تشکل نیست. به اعتقاد من نمایندگانی که در شورای عالی کار حضور پیدا می کنند، نماینده کل جامعه کارگری و باز نشستگان هستند نماینده تشکل خودشان نیستند، که بخواهند سهم خواهی کنند. در ادوار گذشته بعضی از نمایندگان این تشکل ها به دنبال منافع خودشان بودند و خیلی سریع صورتجلسه را امضاء می کردند و خوشبختانه امسال چنین موردی را نداشتیم و با همکاری و هماهنگی که بین ۴ عضو شورای اسلامی کار آقای میر غفاری که من از ایشان بعنوان یک فرد مستقل و آزاد نام می برم نه بعنوان نمایندگی انجمن صنفی، ایشان در کنار ما بود و روی مواضع کار شناسی، ایستادگی کرد. حدود ۱۹ جلسه حداقل چندین ساعت ما به بررسی مسائل مربوط به مزد اعم از کمیته مزد و تعیین سبد هزینه خانوار و جلسات شورای عالی کار در وزارت کار پرداختیم این جدای از جلساتی بود که خودمان در استانها و کانون های مربوطه داشتیم. ما حدود ۳۰ جلسه چندین ساعت در سال ۲۰۲۰ وقت برای دستمزد صرف کردیم و آمارهایی مبنی بر اصول کارشناسی که با آمارهای مراجع رسمی کشور هم مطابقت داشت ارائه دادیم اما هیچ ترتیب اثری داده نشد وقتی وزیر کار بروی صندلی خودش در جلسه شورای عالی کار مستقر شد با روشن کردن میکرون گفت برای افزایش ۳۵٪ رای گیری میکنیم برای سایر هم عددی تعیین کردند و خودشان رای دادند و صورتجلسه را نوشتند و برای اینکه روی آیتام های مزدی که خودشان تعیین کرده بودند صحه بگذارند و از ما امضاء بگیرند ما، در آن موقع ما جلسه را ترک کردیم و از امضای صورتجلسه خودداری کردیم. آیا صرف ۱۹ جلسه چند ساعتی که در آن جلسات هم به نظر نمایندگان کارگراصلا ترتیب اثری داده نشد کافی نبود که بعضی

آقای "محسن باقری" یکی از نمایندگان محترم کارگران در شورای عالی کار در یک گفت وگویی مفصل با سیدمجتبی قریشیان سردبیر به تشریح وضعیت تصویب دستمزد ۱۴۰۳ پرداخت. وی در ابتدای صحبت های خود به موضوعی قابل تامل اشاره می کند که در ذیل می آید:
مجمع نمایندگان کارگر در اواسط مذاکرات مزدی بصورت یکطرفه از مذاکرات خارج شد و ما را همراهی نکرد و مکاتباتی هم با وزارت کار داشتند مبنی بر اینکه چرا یک تشکل خاص در شورای عالی کار حق رای داشته باشد (منظورشان نمایندگان کانون عالی شوراهای اسلامی کار بود) و ما حق رای نداریم، در همان موقعیت حساسی که ما نیاز به اتحاد و پیگیری و ایجاد همگرایی در جامعه کارگری داشتیم و مهمترین مسئله حق و حقوق کارگران که مزد و بحث اقتصادی خانوارهای کارگران کل کشور در میان بود در آن برهه حساس ما را تنها گذاشت. و به گفته وزیر کار مراتب تشکر خودش را از وزیر کار بابت فرایند تعیین دستمزد و اینکه وزیر، نماینده کارگران را به هیچ گرفته بصورت تلفنی اعلام کرد. وزیر کار هم از شورای اسلامی کار بعنوان یک تشکل خاص یاد کردند و در یک مصاحبه گفتند که چرا باید یک تشکل خاص در شورای عالی کار دارای حق رای باشد شورای اسلامی کار تشکلی است که در قانون اساسی به آن اشاره شده است و دارای اساسنامه است، لذا تعیین نمایندگان کارگران در شورای عالی کار از سوی آن تشکل و جاهت قانونی پیدای کند. کانون عالی شوراهای اسلامی کار یک تشکل قانونی است، نه یک تشکل خاص من فکر میکنم که در حال حاضر مجمع نمایندگان کارگران تشکل خاص است، چرا که از محل بودجه مدنی املاکی را که به همه تشکل ها داده بودند، فروخته اند و بعد یک ملکی را که متعلق به سازمان تامین اجتماعی است را غصب کرده اند و سازمان تامین اجتماعی هم علیه آنها اقدام دعوا نموده و حکم تخلیه این ملک چند میلیاردی که در غصب مجمع نمایندگان کارگر آن است را گرفته، علی رغم اینکه حکم اجرای تخلیه این ملک در دست سازمان تامین اجتماعی است. اما با اعمال نفوذ وزیر کار مانع اجرای این حکم شده اند. به همین دلیل آنها مورد حمایت غیر قانونی و خاص وزیر کار هستند، آنها تشکل خاص هستند. آنها آنقدر خاص هستند که وزیر کار با عجله به دنبال نوشتن لایحه و ارائه به مجلس و اصلاح قانون کار برای آن تشکل خاص است. این را ما باید به اطلاع کارگران عزیز برسانیم که به لحاظ اینکه شورای اسلامی کار از نظر قانون در شورای عالی کار جایگاه دارد خاص است. ظاهرا در این مقطع زمانی مجمع نمایندگان کارگران خاص است که وزیر کار، شتابزده به دنبال اصلاح قانون است تا آقایان بیایند و در کنار وزیر کار به این خوش خدمتی ها ادامه دهند

آخرین دقایق جلسه تعیین دستمزد سال ۱۴۰۳

روند برگزاری جلسات شورای عالی کار گویای همه چیز است: از اینکه وزیر کار و معاون روابط کار ایشان و مجموعه وزارت کار بدنبال حذف فرد تاثیر گذار تشکل های کارگری بود و این را عنوان می کرد و از طرف دیگر با توافق پشت پرده که با آن تشکل خود خوانده داشت لازم به یاد آوری است که به نظر من مجمع نمایندگان کارگران، تشکل نیست، چون بر اساس تعریف سازمان بین المللی کار یک نفر نمی تواند خودش را تشکل بنامد. نمایندگان کارگر در کارگاهها

«علیرضا حیدری» نایب رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری؛ رئیس مجلس می تواند مصوبه شورای عالی کار را غیرقانونی اعلام کند تورم مزد کارگران و بازنشستگان را ذبح می کند؟!



بخش بزرگی مثل مشمولین قانون کار و مستمری بگیران تامین اجتماعی را داریم که ارباب جمعی دولت نیستند ولی حقوق آنها می تواند در بخش دولتی از نظر مقایسه حقوق بین حقوق بگیران موثر باشد، وقتی که یک سیاست ۲ گانه اعمال شود طبیعتاً یک گروه، گروه دیگری را می بیند و مدعی می شود که چرا ما باید از آن گروه عقب بیفتیم و بحث تبعیض و دوگانگی مطرح می شود و این باعث می شود که دولت سیاستی را که در بخش تحت پوشش خودش اعمال می کند، عیناً در بخش غیر دولتی نیز اعمال کند و این در حالی است که منابع و هزینه های بخش غیر دولتی را تامین نمی کند، به دلیل اینکه نگاه هر دوی بخش در جامعه به یکدیگر است همواره فشار وارد می کند تا بخش غیر دولتی را وادار کند تا از قواعد خودش پیروی کند. سال اولی که دولت سیزدهم شروع به کار کرد استراتژی خودش را بر کنترل هزینه ها عملیاتی کرد و اعلام کرد که ملاک افزایش دستمزد را ۱۰٪ به اضافه ۶۵۰ هزار تومان قرار می دهیم و برای کارکنان دولت که بیش از ۱۰ میلیون تومان حقوق می گیرند همان ۱۰٪ افزایش می دهیم این در حالی بود که تورم در آن مقطع ۲۴/۰ درصد بود وقتی در شورای عالی کار بحث حقوق مطرح شد در آن زمان که آقای عبدالملکی وزیر کار بود یک اتفاق متفاوتی با سیاست های کلی دولت اتفاق افتاد و ۲۸٪ به اضافه عدد ثابت ۵۳۳ هزار تومان مصوب شد که به حقوق ها اضافه شود ولی این مصوبه مورد اعتراض وزرای اقتصادی دولت واقع شد که کاملاً با سیاست های اتخاذ شده از سوی دولت متفاوت بود. در همان سال بود که اعلام شد که بخش های دولتی و نهادهای عمومی از مصوبه شورای عالی کار تبعیت نکنند و مشمول مصوبه دولت شوند. در همان سال کارکنان شرکت واحد اعتراض کردند و شهردار تهران مجبور شد که شبانه این میزان پرداخت حقوق را تغییر دهد و براساس مصوبه شورای عالی کار عمل کند. پیرو این قضیه نهادهای نظارتی و کسانی که مصوبات دولت را مورد نقد و بررسی قرار می دهند؛ اعلام کردند که چه دولتی باشند و چه غیر دولتی باید از مصوبه شورای عالی کار تبعیت کنند و دستورالعمل دستمزدی را که دولت ابلاغ کرده بود ابطال کردند و عملاً همه کارگرانی که در دستگاههای اجرایی بودند مشمول این قانون و تبعیت از مصوبه شورای عالی کار شدند. بعد بحث تسری آن مصوبه به ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی مطرح شد و پس از رفت و آمد های زیاد و گردش کار بوجود آمده دولت متقاعد شد که مانند ماده ۴۱ قانون کار به مصوبه شورای عالی کار عمل شود و پیرو آن دولت حقوق کارکنان خودش را از مهر ماه مورد بازنگری قرارداد. این موضوع نشان دهنده این است که بخش های مختلف نگاهشان به سمت یکدیگر است و دولت تا برای خودش ننوشت و مصوب نکرد مصوبه شورای عالی کار را اجراء نکرد. فکر میکنم برای شش ماه دوم سال ۶۰ هجرت بار مالی برای دولت داشت و باعث فشار به دولت شد و کسری بودجه اش را افزایش داد. سال ۴۰۲ شما مشاهده کردید که دولت دقتش در مصوبات شورای عالی کار و لایحه بودجه بیشتر شد. این بار برای کارکنان دولت ۲۰٪ و با فشاری که از سوی دولت

● گفت وگواز سید مجتبی قریبانشان سردبیر

علیرضا حیدری از کارشناسان خبره حوزه های کار و تامین اجتماعی و نایب رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در گفت وگویی با ماهنامه «اتحادیه پیشکسوتان» راجع به مسایل روز از جمله بحث مهم دستمزد به روشنگری پرداخته است؛ در ذیل این گفت وگو را می خوانیم

تورمی که سفره ها را کوچک کرده!!

به دلیل ناترازی های مالی که دولت ها در ساختار خودشان تجربه کرده اند و این تجربه از دولتی به دولت دیگر منتقل شده است ماحصل آنها در اقتصاد کشور دیده می شود.. این به دیدگاهی برمی گردد که دولت ها عامل اجرای آن تلقی می شوند. یک راهبردی در حاکمیت وجود دارد که وقتی دخل و خرج ها باهم همخوانی ندارد و بنا به دلایل متعددی مخارج دولت از منابع درآمدی آن بیشتر است به همین دلیل ناترازی مالی ایجاد شده و سبب کسر بودجه می شود؛ دولت ها با استقراض از طرق مختلف و با اعمال سیاست های مالی و پولی گوناگون درصدد رفع کسر بودجه برمی آیند. و بعضاً به حوزه مالی و پولی بدهکار می شوند و برای اینکه بتوانند خودشان را به یک پایداری برسانند بطور طبیعی تورم را به جامعه تزریق می کنند. گاهی اوقات اذهان عمومی اینطور تصور می کنند که افزایش قیمت کالا یا خدمات ناشی از اراده یک بخش هایی از جامعه است. بعنوان مثال اگر قیمت فرآورده های لبنی افزایش پیدا کند فکری کنند که تولید کنندگان یا توزیع کنندگان باعث این افزایش قیمت شده اند. ولی واقعیت این است که یک عامل اصلی و تعیین کننده که روی تورم اثر قابل توجه و زیادی دارد قیمت ارز و مشخصاً دلار است. طبیعتاً دولت ها به ناچار به این سمت می روند که این ناترازی و کسر بودجه خود را از طریق افزایش قیمت ارز جبران کنند چون بدهی های دولت مرتب افزایش پیدا می کند؛ راه وجود دارد که این بدهی ها پرداخت شود تا دولت از ناترازی خارج شود.

اول این که کنترل منابع و مصارف بکنند. اگر امکان پذیر باشد بطور استثنایی منابعشان از مصارفشان بیشتر باشد تا بتوانند بدهی خودشان را پرداخت کنند، چون مخارج هر سال براساس تورم افزایش پیدا می کند؛ این مسیر، مسیری بسیار سخت است و بعضاً ناشدنی! به همین دلیل معمولاً دولت ها برای طی چنین مسیری کمتر از خودشان اراده به خرج می دهند. ولی اگر چنین مسیری طی شود و دولت بتواند از موازاد منابع بدهی خودش را پرداخت کند. اثرش هم یک اثر ضد تورمی خواهد بود و باعث کاهش تورم می شود. بعضی از راهبردهایی که حکومت ها انتخاب می کنند اساساً هزینه بر است. وقتی که تورم در جامعه ای اتفاق می افتد دولت ها برای اینکه بتوانند بخشی از فشار تورمی را کاهش دهند و ضد تورمی عمل کنند اقدام به کاهش برخی از ردیف های هزینه ای خود می کنند. که طبیعتاً هزینه دستمزد هم یکی از آنها است. در سال گذشته بالغ بر ۵۰۰ همت بار مالی ناشی از هزینه های دولت در حوزه پرداخت حقوق شاغلین یا مستمری بگیران خودش بوده است. طبیعی است که به هر میزان که بتواند پرداختی ها را کاهش دهد به نتیجه منجر میشود تا ناترازی مالی اش کاهش پیدا میکند و کسری بودجه اش کنترل می شود ما یک

است که شتاب رشد قیمت ها خیلی بیشتر از آن چیزی است که توسط مراجع رسمی اعلام میشود. طبقاتی که ما راجع به آنها داریم صحبت می کنیم و جامعه هدف ما هستند و مامخاطب آنها هستیم. این واقعیت را بخوبی درک و حس می کنند که به لحاظ تورمی، تورم واقعی به مراتب خیلی بیشتر از تورم اعلام شد از سوی دولت است. یعنی متوسط تورمی که اعلام میشود آنی نیست که خانواده ها و در سفره های خودشان مشاهده می کنند اعتراض هم می کنند که این اعدادی را که شما راجع به تورم اعلام می کنید به هیچ عنوان درست نیست، این اعداد را از کجا آورده اید

مجلس نظارت کند!

ما در بخش دولتی قانون ماده ۱۲۵ خدمات دولتی را داریم که دقیقاً آورده شده که دولت باید حقوق کارکنان خودش را متناسب با تورم افزایش دهد. من تصور این است که دولتی ها به استناد به ماده ۱۲۵ قانون خدمات دولتی و ماده ۱۵۰ قانون برنامه چهارم توسعه از دیوان عدالت اداری رای گرفتن و همین الان هم رای آنها قابلیت اجرایی دارد و روی میز صندوق بازنشستگی کشوری قرار دارد. در همان زمان هم ما، ماده ۹۶ را درخواست کردیم. در ماده ۹۶ استناد می کند به مصوبه هیئت وزیران، درخواست ما را رد کردند و درخواست کشوری ها را پذیرفتند نهادهای نظارتی که رفتار دولت را در خصوص اجرای قانون رصد می کنند در اینجا جایشان خالی است. در اینجا من انتقاد و اعتراض به مجلس است نظارت بر حسن اجرای قانون از وظایف مجلس است. این مجلس قانونی را تصویب کرد که اختیاراتی در حد دیوان عدالت اداری به رئیس مجلس می دهد و مورد تأیید شورای نگهبان هم قرار گرفت. به عبارت دیگر مجلس هم عرض و هم تراز دیوان عدالت اداری قرار گرفت. دیوان عدالت اداری جایی است که افراد و اشخاص از نهاد های دولتی و شبه دولتی شکایت می کنند آنجا مرجع تظلم خواهی مردم از قوه قضائیه و مجریه است یک چنین جایگاهی را برای رئیس قوه مقننه ایجاد کردند رئیس مجلس می تواند در خصوص اینکه اگر مصوبات شورای عالی کار مر قانون نباشد در جایگاه دیوان عدالت اداری نسبت به ابطال آن تصمیم بگیرد متأسفانه آقای قالیباف از این اختیاراتش تا کنون استفاده نکرده است. جدای از این کمیسیون اجتماعی مجلس می تواند در ارتباط با عدم اجرای درست قانون رئیس دستگاه مربوطه را بخواند و از او سوال کند و اگر قانع نشد به صحن علنی مجلس بیاورد و از ابزارهای نظارتی خودش استفاده کند و تا مرز اسباضاح پیش برود. متأسفانه و به هر دلیلی یک دست بودن قوای مختلف کشور در قالب یک رویکرد سیاسی باعث شده که نهاد ها و وظایف خود را فراموش کنند و در این وسط حقوق مردم است که دارد تضییع می شود. این مراجعی که باید از حقوق مردم دفاع کنند جایشان کجاست، هر کجا که نهادها موازی باهم حرکت کردند و می کنند و یک دست می شوند باید آن موقع ترسید، از اینکه واقعا قانون اجراء شود باید آن موقع وحشت کرد من واقعا این ترس را حس می کنم. تصور من این است که این امر هم از ناحیه ریاست

مجلس قابل پیگیری است و هم از ناحیه دیوان عدالت اداری قابلیت پیگیری دارد. در ارتباط با شکایت سال گذشته از مصوبه غیر قانونی دستمزد شورای عالی کار، جواب دیوان این بود که شما سال گذشته در امر تصمیم گیری مشارکت داشتید و امضای شما پای مصوبه شورای عالی کار وجود داشته، امسال که این امضاء وجود ندارد. واقعیت این است که حکومت ها نسبت به مردم خودشان مسئولیت دارند. شما حق ندارید در سیاست گذاری و تصمیم گیری خودت نیازمند را نیازمندتر کنی و فقر را به جامعه فقرا تحمیل کنی. و متغییر های اقتصادی را به نوعی تبیین کنی که یک سری برده ی یک گروه دیگر در جامعه باشند. الان در خصوص کارگرا در حقیقت یک نظام برده داری است که در قرن ۲۱ اتفاق می افتد. در دهی قبل یک سرپرست خانوار با یک شیفت کار ۸ ساعته می تواند یک خانواده را به راحتی اداره کند ولی امروز ۲ نفر از خانواده ای بصورت ۲ شیفت کار می کنند نمی توانند یک خانواده را اداره کنند. این بدان معنی است که شما به حدی ارزش نیروی کار را تنزل داده ای یا به عبارتی سهمش را از او دزدیده اید که یک گروه قرار است کار کنند و گروهی فقط لذت زندگی را ببرند این اگر اسمش استعمار و استثمار نیست پس چیست؟

اصل سه جانبه گرایی فراموش می شود؟

درخصوص سوال شما مبنی بر تصمیم وزارت کار برای طرح موضوع دستمزد در مجلس؛ اگر می خواهند چنین تصمیمی را بگیرند باید در نظر بگیرند که تمام مقوله نامه ها و توصیه نامه های بین المللی ته داستانش به آسایش و آرامش نیروی کار ختم میشود و این آسایش باتعین یک دستمزد مناسب بدست می آید ما هر کاری که می کنیم در نهایت وصل به دستمزد نیروی کار میشود. اگر قرار باشد نظام تصمیم سازی و تصمیم گیری در خصوص دستمزد کارگران از مسیر مذاکرات اجتماعی عبور کند و تبدیل به یک پیمان در داخل کشور شود و آن را از اختیار شورای عالی کار این نهاد سه جانبه گرایی خارج کنید و در اختیار مجلس قرار دهید، آنرا کاملاً در اختیار حاکمیت قرار می دهید چون مجلس جدای از حاکمیت نیست، اگر این اتفاق بیفتد سه جانبه گرایی در ایران محلی از اعراب ندارد. شورای عالی کار به لحاظ قانونی اختیارات و امکاناتی دارد که براساس قوانین بین المللی است. ما باید از مقوله نامه های بین المللی تبعیت کنیم و آنرا اجرا کنیم اگر این کار را نکنید در واقع تصمیم به خروج از مقوله نامه های سه جانبه گرایی گرفته اید و آن را در بالاترین ارکان نقض کرده اید در این صورت عملاً عضویت در سازمان بین المللی کار بی محتوا خواهد بود و یک نمایش را شما خواهید بود. نمایندگان کارگران و کارفرمایان اختیار میشوند و عملاً سه جانبه گرایی تعطیل خواهد شد.

وسخن آخر

من امیدوارم که عقلانیتی حاکم شود فارغ از شرایط اقتصادی امروز ایران و تصمیماتی را اتخاذ کنند که بعدها از گرفتن چنین تصمیماتی دچار پشیمانی و یاس نشوند. متأسفانه بر اثر شرایط اقتصادی امروز بنای یک تصمیماتی را می گذارند که می تواند در سالهای آتی بسیاری از مناسبت های ما را در روابط اجتماعی تحت تأثیر خودش قرار دهد و آثار مخربی را ببار بیاورد این بزرگترین خطری است که می تواند جامعه کارگری را تهدید کند امیدوارم عقلانیتی حاکم شود که اینکار نکند!

این عدد رسیده ایم در حالیکه این اصلا قانونی نیست. شما باید براساس تورم محقق شده حقوق را اعلام بکنی نه اینکه بیایی ومعدلگیری کنی مشخص است که این معدلگیری به زیان جامعه کارگر وتولید است به همین دلیل در جلسه تعیین دستمزد سال ۱۴۰۳ نمایندگان کارگری بعنوان اعتراض جلسه را ترک کردند چون خواستار دستمزد ۱۵میلیون تومانی بودند سبد معیشت هم که بیش از ۲۱میلیون تومان اعلام شده بود. براساس بند ۲ ماده ۴۱ قانون کار دستمزد کارگران باید ۲۲ میلیون تومان اعلام می شد چون معیشت که مشکل از ۱۲قلم کالا می باشد مثل مسکن، خوراکی ها ،ایاب وذهاب ،بهداشت ودرمان، پوشاک، آموزش، لوازم منزل، تفریح ... که باید کارگر همه اینها را دریافت کند و حداقل مزد تعیین شده باید بتواند اینها را پوشش دهد. باتعین دستمزد سال ۱۴۰۳ از یک سو وسیاست های اقتصادی دولت از سوی دیگر مبنی بر افزایش مالیات وافزایش بیمه ها از طرف سازمان تامین اجتماعی وافزایش قیمت کالا ها وخدمات باعث کاهش قدرت خرید کارگران می شود وقدرت خرید کارگران به حداقل ترین وضع ممکن خودش رسیده است با توجه به افزایش حداقل دستمزد از یک طرف ودرمقابل افزایش سایر هزینه ها وموelfه هاو نیازهای زندگی عملا ما افزایش حقوقی نداشتیم. بلکه برعکس شاهد کاهش قدرت خریدقشر کارگر وبازنشسته هستیم با دو قلم مالیات وبیمه افزایش ۲۹٪ خورده شده درواقع سفره کارگر کوچکتر شد بنا براین رفتار نمایندگان کارگری که به نشانه اعتراض جلسه را ترک کردند، یک رفتار درست وصفی بود که بدنه جامعه کارگری را که مخاطب خودش می داند وباید از مخاطب وموکل خودشان دفاع می کردند. این اعتراض درمقابل دستمزدی بود که بصورت یکطرفه تعیین شده بود، چون این وزیر بود که خواهان چنین دستمزدی بود حتی نظر نمایندگان کارفرما هم غیر از این بود. گرچه نمایندگان کارفرما هم خوششان نمی آمد که وزیر به دفاع از آنها هر مطلبی را عنوان کند چون می بینند که وزیر مطالبی را عنوان می کند که نظر جامعه کارفرمایی نیست. اما کارفرماها دولت را سبر خودشان قرارداده اند واز این مطلب سوء

چه چیزی ما را شادمان و سلامت نگه می دارد؟

زندگی؛ عشق ورزیدن است!

دارد؛ همین!!

این تحقیق، سه درس مهم درباره روابط انسانی به ما داده است.

اولا، روابط اجتماعی واقعا برای ما خوبست و در مقابل، تنهایی کُشنده می باشد. کسانی که روابط خانوادگی و اجتماعی بیشتری دارند، خوشحال تر و از نظر جسمی سالم ترند و بیشتر عمر می کنند.

ثانیا، آنچه مهم است تعداد دوستان و روابط نیست بلکه کیفیت آنهاست. روابط تنش زا داشتن برای سلامتی واقعا خوب نیست؛ به عنوان مثال گاهی طلاق بهتر از ماندن در یک رابطه زناشویی بدون احساس و پر از مشاجره است.

نکته جالب این بود که متغیری که در ۵۰ سالگی این افراد، می توانست وضعیت جسمانی و سلامتی آنها در ۸۰ سالگی را پیش بینی کند، "سطح کلسترول" شان در ۵۰ سالگی نبود، بلکه رضایت آنها از روابطشان بود. کسانی که در ۵۰ سالگی بیشترین رضایت را از روابطشان داشتند، در ۸۰ سالگی از همه سالمتر بودند.

درس سوم این است که روابط خوب داشتن نه تنها بدن ما را سالم نگه می دارد، بلکه از مغز ما نیز محافظت می کند: کسانی که در ۸۰ سالگی در یک رابطه قابل اطمینان و اعتماد بودند، حافظه بهتری داشتند. اما رابطه خوب داشتن به معنی هیچوقت دعوا نکردن نیست! برخی از این زوجها مشاجره روزانه با هم داشتند، ولی مهم این بود که می دانستند در زمان نیاز، دیگری واقعا به فکر آنها و در کنار آنهاست.

بیش از یکصد سال پیش، مارک تواین در نگاه به زندگی ای که پشت سر گذاشته بود چنین گفت: "زندگی آنقدر کوتاه است که وقتی برای غر زدن، معذرت خواهی، کوته نظری و طلبکار بودن نیست. فقط برای عشق ورزیدن وقت هست، آنهم گویی فقط یک لحظه"

چندین نسل از پژوهشگران ادامه پیدا کرد. من (روانپزشک رابرت والدینگر) چهارمین مسئول این تحقیق از سال شروع آن یعنی ۱۹۳۸ هستم.

• در زمان شروع تحقیق در بیش از ۷۰ سال قبل، پژوهشگران به خانه های این پسران نوجوان رفتند و با آنها و والدین شان صحبت کردند و آنها را مورد معاینات پزشکی قرار دادند. آنگاه این پسرها بزرگ شدند و به میانسالی رسیدند. آنها کارگر کارخانه، وکیل، معلم یا دکتر شدند، یک نفر رییس جمهور امریکا شد، برخی الکلی و معدودی دچار اسکیزوفرنی شدند.

بعضی از آنها خود را از پایین ترین سطوح اجتماع به بالاترین رساندند، و برخی معکوس این روند را طی کردند.

• حدود ۶۰ تا ۷۲۴ نفری که تحقیق با آنها آغاز شد هنوز زنده و بیش از نود ساله هستند و در تحقیق شرکت دارند. ما هر دو سال

نشر: x: گاهنامه مدیر

طی یک پژوهش، سوال فوق از جوانان پرسیده شد. بیش از ۸۰ درصد آنها گفتند مهمترین هدف آنها در زندگی پولدار شدن است، و ۵۰ درصد از همین افراد گفتند هدف مهم دیگر آنها مشهور شدن است. به ما همیشه می گویند باید به سختی کار کرد تا زندگی خوبی داشته باشی!

مساله اینجاست که نمی شود تصویری از کل زندگی یک انسان از ابتدا تا به انتها داشت تا فهمید چه چیزهایی باعث خوشبختی او شده است. در تحقیقات، فقط درباره گذشته آدمها می شود از آنها سوال کرد، و این هم اطلاعات کاملی را در اختیار نمی گذارد زیرا ما خیلی چیزها را درباره زندگی خود فراموش می کنیم.

اما چطور است تحقیقی کنیم درباره کل زندگی آدمها، از نوجوانی تا پیری، تا دریابیم واقعا چه چیزهایی آنها را خوشحال و

خدا و اخلاق؛

غائبین بزرگ زندگی امروز بشر

xمنبع: گاهنامه مدیر x

xدکتر محمدرضا اسلامی

راننده تاکسی در حال صحبت بود (و پیرو آشنایی که از دفعات قبل داشت) در حال گپ و گفت بود که صدای آژیر آمبولانس آمد. به روال متعارف، بلافاصله کنار کشید و توقف کرد تا آمبولانس رد بشود. پوزخندی زد و گفت: آمبولانس... لابد باز هم یکی از دانشجویانم اوردوز کرده! گفتم: از دانشجویهای من تا حالا کسی اوردوز نداشته، ولی خبر دارم که اخیرا این مسئله ای جدی در دانشگاهاست.

گفت: شماها داثم می خواهید به این بچه ها مطالب علمی و تکنولوژی یاد بدهید در حالی که مشکلات اینها چیزهای دیگه ست. ادامه داد: من هستم که شبها اینها رو بعد از پارتی ها می رسانم و من خبر دارم که چه اتفاقاتی براشون می افته.

یکدفعه جدی و با صدای بلند گفت:

God and Morality are absent from our lives

«خدا» و «اخلاق» غایب در زندگی های ما هستند. زندگی های ما خالی از God و Morality است.

جا خوردم از این جمله آخرش!

آمریکایی ها معمولا صریح حرف نمی زنند. خصوصا درباره مسائل مربوط به مذهب و ادیان. احساس کردم با چه صداقتی از غیبتِ این مفاهیم در زندگی های امروز صحبت می کند.

مسیر را تا رسیدن به ساختمان دانشکده مهندسی عمران با سکوت

از کجا بفهمیم

آدم نفهمی هستیم؟!

نشر گاهنامه مدیر

آیا دور و برتان پر است از آدمهای احمق و بی فرهنگ؟ آدمهای حوصله سربری که لیاقت توجه شما را ندارند؟ آدمهای چاپلوس، متکبر، وحشی، کله پوک و بیشعورهای از خود راضی، و از همه مهمتر آدم های نفهم؟

اریک شویتسگیل، استاد فلسفه دانشگاه کالیفرنیا، خبر بدی برای تان دارد. اگر بیشتر مواقع جهان را این شکلی می بینید، احتمالا آدم نفهمی هستید! جهان در نظر بیشتر مردم این شکلی نیست، و در واقعیت هم این شکلی نیست. روانشناسان می گویند ما معمولا تمایل داریم تاثیر مثبتی از خصوصیات خودمان داشته باشیم. بنابراین در مواجهه با سوالِ سهمگین

آمریکا (۱۱۲۰۰۰ نفر) به علت اوردوز کشته شده اند. کدام جنگی اینقدر کشته می گیرد؟ کدام زلزله باعث این میزان تلفات می شود؟ کدام آمار سوانح جاده ای اینقدر وحشتناک است؟ چقدر زندگی بشر تنیده در تباهی است؟

کل آمار کشته های سوانح جاده ای در ایران در سال گذشته حدود ۲۰ هزار نفر بوده و کل کشته های زلزله عظیم سال گذشته ترکیه حدود ۵۰ هزار نفر بوده. ولی فقط در یک سال ۱۱۲ هزار نفر بخاطر مواد مخدر در این کشور کشته می شوند (که ۷۸ میلیارد دلار آسیب اقتصادی دارد).

کانال تلگرام خانم "پانتا" وزیری را می خواندم که درباره والدگری نوشته و یک یوتیوب ضبط کرده درباره اینکه فرزند نوجوانش موبایل ندارد و نخواسته که داشته باشد. به قدری پانتا از این موضوع (و از مسئله آگاهی فرزندش) خوشحال بود که یک یوتیوب در این خصوص ضبط کرده است. فرزند من هم موبایل ندارد و این به اصرار ما نبوده بلکه خودش موبایل نخواسته. آگاهانه و با مشاهده وضعیت همکلاسی ها و عوارض موبایل در مدرسه، گفت که برایم موبایل آیفون نخرید و صرفا یک گوشی تاشو قدیمی دارد. ولی من بر خلاف خانم پانتا وزیری پر از بیم هستم و پر از خشم.

نهاد شر در این دنیا قوی تر از تصور ماست. با هزار رنج یک طفل را از نوزادی به کودکی و از کودکی به نوجوانی می رسانی. ولی بزِگیِ واقعیتِ شرور در این عالم در دو قدمی درب منزل توست.

زیست انسان اینقدر پیچیده در تباهی است.

حرف راننده در سرم می کوبد. اخلاق و خدا غائبین زندگیهای ما هستند. و ما دلخوش به اینکه به فرزندانمان ریاضیات و تکنولوژی بیاموزیم؟! ...

طرف مقابل، آنها مسئول و متعهد هستند و به شدت مراقب اند که مثل نفهم ها نباشند. پس می توانیم به نتیجه ای برسیم:

"اگر برایتان مهم است که مثل نفهم ها رفتار نکرده باشید، احتمالاً جزء آنها به شمار نمی روید. سرنخ دیگری هم داریم: "خوب گوش کردن". نفهم ها به سختی می توانند به حرفهای دیگران توجه کنند یا انتقادهای آنان را جدی بگیرند. اگر برایتان مهم است که حرف های دیگران را مشتاقانه بشنوید، آدم نفهمی نیستید، چون طبیعت نفهمی گوش نکردن است.

نفهمی معمولا خصوصیتی همیشگی نیست. خیلی از ما ممکن است بعضی مواقع یا در مواجهه با برخی آدمها مثل نفهم ها رفتار کنیم، و در مواقع دیگر چنین رفتاری نداشته باشیم. با این حال لازم است از خودمان بپرسیم: "هر چند وقت یکبار مثل نفهم ها رفتار می کنم؟"

شاید حافظه مان نتواند همه این موارد را به درستی نگه دارد، اما تکرار این پرسش ما را به خودشناسی بیشتری می رساند. همه ما گاهی از پشت عینک نفهمی به جهان نگاه می کنیم، اما اسیر این بیش نیستیم.

حل معضل!



بازاجتماعی سازی مبتلایان فقر و آسیب اجتماعی، رفع نابرابری های پیشینی و پسینی و ارتقاء سطح رفاه عمومی و تضمین حداقل ها و کیفیت زندگی مردم در سطح پایه بایستی موضوع راسا در دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گیرد و مجمع متکفل تدوین و تصویب قوانین مورد نیاز برای اجراء و تحقق سیاست های کلی تامین اجتماعی و شکل دهی نظام تامین اجتماعی همگانی (فراگیر، جامع، چندلایه) از منظر "حل معضل" شود و مراتب را از طریق تشکیل یک کمیسیون مشترک موقت و یا احاله به یکی از کمیسیون های تخصصی عملیاتی و سریعاً نسبت به تدوین و تصویب "قانون اجرای سیاست های کلی تامین اجتماعی" در سطح کلیات اقدام نماید و سپس مجلس و دولت بر اساس قانون موصوف و با پیشنهاد متولی امر قاعده گذاری و تنظیم گری نظام تامین اجتماعی، نسبت به تدوین و تصویب قوانین و مقررات تفصیلی لازم اقدام و آنها را اجرایی نمایند. چرا که با توجه به تجربه دوسال گذشته پرواضح است که متولیان امر یا نمی توانند و یا نمی خواهند در این زمینه اقدام جدی و موثری را انجام دهند

بارز این مدعا، نحوه رفتار دولت و مجلس در قبال سیاست های کلی تامین اجتماعی است که علیرغم گذشت ۲ سال از ابلاغ آن، هنوز برنامه جامع تحقق مربوطه مصوب و اجرایی نشده است و بالعکس در متن برنامه هفتم توسعه و بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور بعضاً رویکردهای غیر منطقی و یا مغایر با آنها اتخاذ شده است که در هیات عالی نظارت بحث عدم انطباق و مغایرت این احکام مطرح و در فرایند اصلاح از سوی مجلس می باشد.

طبق قانون اساسی، مجمع تشخیص مصلحت نظام علاوه بر ماموریت مستشاری رهبری در زمینه تدوین پیش نویس سیاست های کلی نظام و نیز حل اختلافات بین قوا (مجلس، دولت و شورای نگهبان)، وظیفه دارد در زمینه "حل معضلات کشور" نیز وارد عمل شده و از منظر "حل معضل" برای حل مشکلات و رفع چالش های مبتلا به کشور ورود نماید. نتیجه آنکه با توجه به اهمیت و ضرورت تحقق عدالت اجتماعی و رفع ناترازی سازمانها و صندوق های بازنشستگی و بویژه حمایت از اقشار ضعیف مردم و طبقات فرودست جامعه، رفع فقر و آسیب های اجتماعی، توانمند سازی و

و مشکلات ساختاری، تشکیلاتی و اجرایی دستگاه های اجرایی و نهادهای دست اندرکار این حوزه، تعارضات سازمانی دستگاه های اجرایی، عدم انسجام و انتظام، همپوشانی ها و کم پوشانی ها، تکرار و تداخل در وظایف و فعالیتها و... از طرف دیگر، اقتضاء می نماید که یک مرجع صالحه فرابخشی و مستقل به این موضوع پرداخته و فارغ از دیدگاه های بخشی و دستگاهی و با رویکرد مردم محور و ذینفع محور نسبت به تدوین قانون لازم برای تحقق سیاست های کلی تامین اجتماعی اقدام نماید، فلذا بنظر می رسد که موارد مطروحه فوق، از مصادیق بارز "معضل" هستند که نیازمند ورود مجمع تشخیص مصلحت نظام می باشد و تجربه سالهای دهه اخیر نشان میدهد که مجالس و دولت های گذشته و حال، یا تمایلی به حل این معضلات نداشتند و یا اینکه تصمیمات و اقدامات آنها تحت تاثیر مسائل روزمره و موسمی (انتخابات) و یا تعارضات بین دستگاه ها ویا رویکردهای دستگاه محور و بخشی نگر و کوتاه مدت بوده و بویژه تضاد نقش و تعارض منافع فردی و بانندی است. نمونه

تامین اجتماعی دارای یک ترتیب و توالی منطقی و علمی بوده و مقرر داشته است که ابتدا مدل مطلوب تامین اجتماعی همگانی ولایه بندی (امدادی، حمایتی و بیمه ای) و سطح بندی لایه بیمه ای (پایه، مازاد و مکمل) صورت پذیرد (بند ۱)، سپس سازوکار قاعده گذاری و تنظیم گری بصورت مستقل و فرابخشی و پایگاه اطلاعاتی ثبتی و مینا و جامع ایجاد گردد (بند ۲)، اصلاح سازوکارها و ساختارها و قوانین و مقررات موضوعه و سازگارسازی آنها با نظام نوین (بندهای ۳ و ۴)، لایه بندی و سطح بندی خدمات و جانمایی مردم مجریان ذیربط، مانع از اقدام در این زمینه می باشد.

در بحث عدالت اجتماعی و تامین اجتماعی موضوع حمایت از اقشار ضعیف جامعه و طبقات فرودست مردم از اهمیت و اولویت زیادی برخوردار است به حدی که در سال ۱۳۹۷ و در زمان موافقت با تشکیل شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا و تنفیذ و تجویز اختیار به شورای مزبور، "حمایت از اقشار ضعیف جامعه" بعنوان یکی از ماموریت های ۵ گانه شورای مزبور تعیین گردید و در تاریخ ۱۴۰۰/۹/۱۴ و در ملاقات رهبری نظام با روسای سه قوه ضمن یادآوری موضوع مزبور، بر لزوم شکل دهی "نظام متمرکز تامین اجتماعی" با "تجمع و تمرکز یارانه های اجتماعی (یارانه های معطوف به افراد و خانواده ها)" تاکید شد که متأسفانه این مهم از سوی دولت وقت به انجام نرسید و لازم است نظام فراگیر، متمرکز و چندلایه تامین اجتماعی، هرچه سریعتر و در قالب برنامه جامع تحقق ویا قانون اجرای سیاست های کلی تامین اجتماعی استقرار یابد.

ولیکن متأسفانه مشاهده می شود که غیرهدفمندی، غیر هوشمندی و پراکندگی و عدم یکپارچگی یارانه ها عمق و دامنه بیشتری یافته است. شایان توجه اینکه سیاست های کلی

خدمات "تامین اجتماعی" (بویژه از منظر رفاه عمومی و تامین اجتماعی که نماد تحقق عدالت اجتماعی برای افراد و خانواده ها است) مطالبه مردم طی نیم قرن اخیر بوده و هست و بر همین اساس اصول معطوف به عدالت اجتماعی در قانون اساسی گنجانده شده است ولیکن این اصول تاکنون محقق نگردیده است بر همین اساس و برای جبران این عقب ماندگی ها، "سیاست های کلی تامین اجتماعی" در تاریخ ۱/۱/۱۴۰۱ ابلاغ گردید که ترجمانی از این اصول در حوزه تامین اجتماعی می باشد ولیکن علیرغم پیگیری های انجام شده و گذشت مدت ۲ سال از ابلاغ این سیاست ها هنوز "برنامه جامع تحقق سیاست های کلی تامین اجتماعی" یا "قانون اجرای سیاست های کلی تامین اجتماعی" ارائه نگردیده است (وفق سند الزامات تحقق سیاست های کلی نظام و بموجب اصل ۱۱۰ قانون اساسی، مقرر شده است که برنامه مزبور حداکثر پس از ۶ ماه از ابلاغ سیاست کلی ارائه گردد و عملیات اجرایی آن در حوزه ای تقنینی، مقرراتی و اجرایی شروع شود) ولیکن متأسفانه حتی به این مهم، در فرایند تدوین و تصویب برنامه هفتم توسعه و بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور آنطور که باید و شاید پرداخته نشده است و چه بسا موارد زیادی عدم انطباق و مغایرت با سیاست های کلی ابلاغی، بویژه سیاست های کلی تامین اجتماعی در جریان تدوین و تصویب برنامه هفتم توسعه و بودجه سال ۱۴۰۳ مشاهده شده است، به رغم آنکه بند ۵ سیاست های کلی برنامه هفتم توسعه نیز بر لزوم استقرار نظام تامین اجتماعی با مختصات که در سیاست های کلی تامین اجتماعی معین شده است، تصریح دارد و آمده است "استقرار نظام جامع تامین اجتماعی مشتمل بر حوزه های امدادی، حمایتی و بیمه ای در سطوح پایه، مازاد و مکمل به منظور ارائه عادلانه

جامعیتی و... در ادوار گذشته و بویژه یک دهه اخیر تاثیر و تاثرات بنیان بر افکنی بر پایداری آنها داشته است. عبارت دیگر وضعیت صندوق های بازنشستگی در اثر اقدامات گذشتگان وخیم تر شده و در شرایط حاضر و از منظر اقتصاد سیاسی و محیط پیرامونی و ملی نیز شرایط به نحوی است که اعمال تغییرات و تحولات توسعه ای و انجام مداخلات اصلاحی سخت تر شده است. بطور مثال الان امکان عرضه وسیع سهام صندوق ها در بورس میسر است؟ آیا وقتی دولت بنایش بر فعال سازی صنایع راکد است آیا صندوق ها میتوانند شرکتهای زیانده و کم بازده خود را تعطیل ویا منحل کنند؟ آیا صندوق ها میتوانند بیشتر از این به دستگاه های اجرایی و یا به کارفرمایان و پیمانکاران برای وصول منافع بیشتر فشار بیاورند؟ آیا صندوق ها میتوانند مانع از صدور احکام برقراری مستمری شوند ویا

دکتر علی حیدری- کارشناس رفاه و تامین اجتماعی

"عدالت اجتماعی" (بویژه از منظر رفاه عمومی و تامین اجتماعی که نماد تحقق عدالت اجتماعی برای افراد و خانواده ها است) مطالبه مردم طی نیم قرن اخیر بوده و هست و بر همین اساس اصول معطوف به عدالت اجتماعی در قانون اساسی گنجانده شده است ولیکن این اصول تاکنون محقق نگردیده است بر همین اساس و برای جبران این عقب ماندگی ها، "سیاست های کلی تامین اجتماعی" در تاریخ ۱/۱/۱۴۰۱ ابلاغ گردید که ترجمانی از این اصول در حوزه تامین اجتماعی می باشد ولیکن علیرغم پیگیری های انجام شده و گذشت مدت ۲ سال از ابلاغ این سیاست ها هنوز "برنامه جامع تحقق سیاست های کلی تامین اجتماعی" یا "قانون اجرای سیاست های کلی تامین اجتماعی" ارائه نگردیده است (وفق سند الزامات تحقق سیاست های کلی نظام و بموجب اصل ۱۱۰ قانون اساسی، مقرر شده است که برنامه مزبور حداکثر پس از ۶ ماه از ابلاغ سیاست کلی ارائه گردد و عملیات اجرایی آن در حوزه ای تقنینی، مقرراتی و اجرایی شروع شود) ولیکن متأسفانه حتی به این مهم، در فرایند تدوین و تصویب برنامه هفتم توسعه و بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور آنطور که باید و شاید پرداخته نشده است و چه بسا موارد زیادی عدم انطباق و مغایرت با سیاست های کلی ابلاغی، بویژه سیاست های کلی تامین اجتماعی در جریان تدوین و تصویب برنامه هفتم توسعه و بودجه سال ۱۴۰۳ مشاهده شده است، به رغم آنکه بند ۵ سیاست های کلی برنامه هفتم توسعه نیز بر لزوم استقرار نظام تامین اجتماعی با مختصات که در سیاست های کلی تامین اجتماعی معین شده است، تصریح دارد و آمده است "استقرار نظام جامع تامین اجتماعی مشتمل بر حوزه های امدادی، حمایتی و بیمه ای در سطوح پایه، مازاد و مکمل به منظور ارائه عادلانه

حکمرانی! مساله این است

و صندوق های بیمه گر اجتماعی نیز مشابه همین سازوکار تعبیه گردد وگرنه تجربه نشان داده است که تاکنون وزارتخانه های متولی حوزه تامین اجتماعی به سبب مداخلات خود بیشترین لطمات را به سازمانها و صندوق های بیمه گر اجتماعی زده اند و جبران ضعف های مدیریتی، بودجه و اعتبارات، اختیارات و کاستیهای خود را از جیب صندوق ها پرداخته اند.

شایان توجه اینکه سیاست های کلی تامین اجتماعی دارای یک ترتیب و توالی منطقی و علمی بوده و مقرر داشته است که ابتدا مدل مطلوب تامین اجتماعی همگانی ولایه بندی (امدادی، حمایتی و بیمه ای) و سطح بندی لایه بیمه ای (پایه، مازاد و مکمل) صورت پذیرد (بند ۱)، سپس سازوکار قاعده گذاری و تنظیم گری بصورت مستقل و فرابخشی و پایگاه اطلاعات

گر اجتماعی از جمله بخش سرمایه گذاری، نظارت عالی و راهبردی اعمال نماید، امری که تاکنون انجام نشده و غالباً این سازمانها و صندوق های بیمه گرو بویژه بخش سرمایه گذاری آنها از سوی بخشهایی از بدنه دولت مورد مداخله قرار گرفته اند و طبیعتاً در چنین فضایی دستگاه های اجرایی مداخله گر نمی توانستند و نمی توانستند نظارت درستی اعمال نمایند. برای تحقق این مهم باید، مشابه سازوکار مربوط به نظام بانکی که بانک مرکزی نقش تنظیم گری بانکها و موسسات مالی و اعتباری را برعهده دارد، یا سازمان بیمه مرکزی که نقش تنظیم گری شرکت های بیمه تجاری را ایفاء می کند و یا سازمان بورس و اوراق بهادار که تنظیم گر شرکت های سهامی عام است و بر بخش سرمایه گذاری و اقتصادی آنها، راهبری و نظارت عالی اعمال می نماید، بایستی در حوزه سازمانها

تامین کنندگان منابع (کارفرما و بیمه گذار) ویا رعایت استقلال مالی و اداری و حفظ شخصیت مستقل حقوقی صورت پذیرد چرا که این ذخایر و اندوخته ها، حق الناس و مال مشاع و بین نسلی بوده و به فرمایش مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در بند ۳ سیاست های کلی تامین اجتماعی "اموال متعلق حق مردم" است و معظم له در بند ۴ سیاست های کلی تامین اجتماعی مقرر فرموده اند که بایستی قوانین، مقررات، ساختارها و تشکیلات سازمانها و صندوق های بیمه گر اجتماعی بر همین اساس اصلاح و بازتنظیم شود. از همه مهمتر اینکه در بند ۲ سیاست های کلی تامین اجتماعی، مقرر شده است که یک سازوکار یا نهاد قاعده گذار و تنظیم گر مستقل، حرفه ای، تخصصی و فرابخشی در قلمروی نظام تامین اجتماعی ایجاد گردد تا نهاد مامور بتواند بر شئون مختلف نهادهای بیمه

آنها به تاخیر بیاورند؟ آیا در این شرایط از منظر اقتصاد رفتاری و اقتصاد سیاسی، اصلاحات پارامتریک برای بیمه شدگان قبلی به راحتی میسر است؟ واگر این اصلاحات انجام شود در کوتاه مدت روند بازنشستگی را تشدید نخواهد کرد و به ضد خود تبدیل نخواهد شد؟ در چند ماه اخیر شائبه اصلاحات اختیاری و بطئی سن و سابقه در برنامه هفتم که هنوز به تصویب نهایی نرسیده است، به شدت روند درخواست بازنشستگی را تشدید کرده است) وقس علیهذا. نکته حائز اهمیت اساسی در ارتباط با سازمانها و صندوق های بیمه گر اجتماعی، موضوع حکمرانی و نحوه اداره و راهبری ارکان عالی این قبیل بیمه گران اجتماعی می باشد که بایستی بر اساس اصل چندجانبه گرایی و بامشارکت نمایندگان خدمت گیرندگان (کارگر و کارمند و بطور کلی بیمه شده و مستمری بگیر) و

جامعیتی و... در ادوار گذشته و بویژه یک دهه اخیر تاثیر و تاثرات بنیان بر افکنی بر پایداری آنها داشته است. عبارت دیگر وضعیت صندوق های بازنشستگی در اثر اقدامات گذشتگان وخیم تر شده و در شرایط حاضر و از منظر اقتصاد سیاسی و محیط پیرامونی و ملی نیز شرایط به نحوی است که اعمال تغییرات و تحولات توسعه ای و انجام مداخلات اصلاحی سخت تر شده است. بطور مثال الان امکان عرضه وسیع سهام صندوق ها در بورس میسر است؟ آیا وقتی دولت بنایش بر فعال سازی صنایع راکد است آیا صندوق ها میتوانند شرکتهای زیانده و کم بازده خود را تعطیل ویا منحل کنند؟ آیا صندوق ها میتوانند بیشتر از این به دستگاه های اجرایی و یا به کارفرمایان و پیمانکاران برای وصول منافع بیشتر فشار بیاورند؟ آیا صندوق ها میتوانند مانع از صدور احکام برقراری مستمری شوند ویا

دکتر علی حیدری کارشناس رفاه و تامین اجتماعی

دوسال از ابلاغ سیاست های کلی تامین اجتماعی گذشته است ولی طی این مدت مرکز ثقل فعالیتهای دولت در حوزه رفاه و تامین اجتماعی، اعطای کالابری حتی به دهک های بالای درآمدی است و موضوعاتی مثل استقرار نظام چندلایه (امدادی، حمایتی و بیمه ای) و چند سطحی لایه بیمه ای (پایه، مازاد و مکمل) تامین اجتماعی، شکل دهی نهاد تنظیم گر، نظام ملی احسان و نیکوکاری، توانمند سازی، بازاجتماعی سازی، پیوست تامین اجتماعی و... در محاق توزیع لوبیا، لپه و نخود قرار گرفته است.

مشکلات به ارث مانده برای سازمانها و صندوق های بیمه گر اجتماعی محصول چند دهه گذشته است و شرایط و متغیرهای کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی،

تجلیل از خادمین قانون کار و اعطای نشان خدمت؛ ابتکاری از سوی خانه کارگر و اتحادیه پیشکسوتان در جهت پاسداشت قانون کار



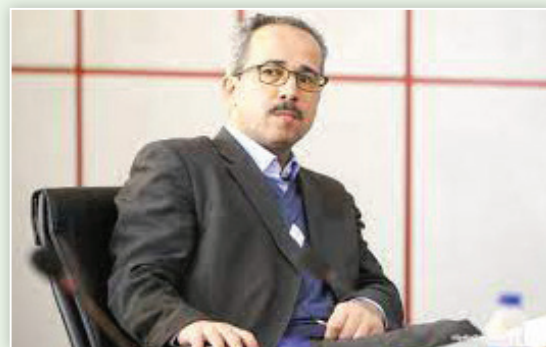
همه سود شد زیانی!

گزارش سازمان حسابرسی مغایر با بند ۳ سیاستهای کلی تامین اجتماعی است و باعث کاهش ارزش ذخایر و اندوخته‌های بیمه ای ذینفعان می باشد و بایستی سریعاً حذف و اصلاح گردد.

بموجب بند ۷ ماده ۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی مقرر شد که بدهیهای بیمه ای معوقه دولت به ارزش روز واقعی به روزرسانی شود (نگارنده که پیش نویس این حکم را تهیه و در کمیسیون تلفیق قانون مزبور ارائه نموده بودم در متن اولیه بروزرسانی براساس محاسبات بیمه ای درج کرده بودم ولیکن در جلسه کمیسیون مطرح شد که باید نرخ مشخص و معین در قانون قید شود و در آن زمان نرخ سود سپرده بلند مدت بانکی ۱۲ درصد بود و نرخ اوراق مشارکت ۱۹ درصد و نمایندگان نرخ بالاتر را درج کردند و شورای نگهبان هم آنرا تأیید نمود) ولیکن نکته مهم و اساسی درج عبارت "به ارزش روز واقعی" در متن حکم بود که حاکی از لزوم اعمال روش مرکب و تجمیعی برای مانده بدهیها است و اگر بخواهیم روش ساده اعمال کنیم مغایر با این حکم مقنن می باشد بویژه آنکه براساس بندهای ج و د ماده ۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی، دولت حق اتخاذ تصمیماتی که باعث کاهش منابع و یا افزایش مصارف سازمان تامین اجتماعی شود، ندارد. امری که در بندهای ۳ و ۴ سیاستهای کلی تامین اجتماعی هم تأیید و تصریح شده است. جالب توجه اینکه مجموعه قوانین و مقررات جاری کشور و دولت، در ارتباط با بروزرسانی مبالغ دیه، مهریه، چک و خسارات تأخیر تأدیه پیمانکاران و قرار دادها همین روش مرکب را پذیرفته است ولی در مورد بروزرسانی مبالغ بدهی بیمه ای و بویژه در قبال سازمان تامین اجتماعی از این رویه و قاعده عمومی و از همه مهمتر حکم قانونی و لازم الاجراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، استنکاف می ورزد.

و یا اصلاح نشود تبعات و اثرات نامساعد آن در سنوات آتی ابعاد گسترده تر چندین هزار میلیاردتومانی را برای سازمان تامین اجتماعی در پی خواهد داشت که عدد سیصد هزار میلیارد تومان در مقابل آن ناچیز محسوب می شود علیهذا در بزرگی این رقم همین بس که حدود یک سوم بودجه سالانه سازمان تامین اجتماعی است. اما داستان چیست؟! وفق قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و نیز قوانین و مقررات مختلف در سنوات قبل، دولت علاوه بر سهم ۳ درصدی خود، مکلف به پرداخت تمام یا بخشی از حق بیمه‌های مربوط به بیمه شدگان و یا کارفرمایان گردیده و سازمان تامین اجتماعی به حکم قانون خدمات بیمه ای و درمانی مربوط به این اقشار را در مواعید مقرر و با اعمال افزایشهای سنوالتی به ذینفعان ارائه نموده و مبالغ حق بیمه‌های معوقه دولت در حسابهای فیما بین دولت و سازمان منظور شده است. دولتها در ادوار مختلف و طی نیم قرن گذشته از پرداخت نقدی و سالانه این حق بیمهها استنکاف نموده و می نمایند و در مقاطعی آنرا با تهاوت سهام شرکتها تادیه می نمایند ولیکن روند بازپرداخت بدهیها هیچگاه حریف روند شکل گیری بدهیهای جدید دولت نشده است و این موضوع باعث روند رو به تزاید ایجاد و انباشت بدهیهای دولت به بیمه شدگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی می شود.

برای رفع این مشکل در بند ۴ "سیاستهای کلی تامین اجتماعی" ابلاغی ۱۴۰۱/۱/۲۱ دولت مکلف به "جلوگیری از ایجاد و انباشت بدهیهای خود به سازمانها و صندوقهای بیمه گر اجتماعی گردیده است. همچنین در بند ۳ سیاستهای کلی تامین اجتماعی دولت مکلف به "حفظ و ارتقاء ارزش ذخایر و اندوخته‌های سازمانها و صندوقهای بیمه گر اجتماعی بعنوان اموال متعلق حق مردم" شده است. پر واضح است که این بند



• دکتر علی حیدری؛ کارشناس رفاه و تامین اجتماعی

یک روزنامه نگار پیشکسوت در توئیتر خود خبری را منتشر کرده که قابل توجه است. وی در این توییت عنوان نموده است که سازمان حسابرسی در بررسی صورتهای مالی سال ۱۴۰۱ سازمان تامین اجتماعی با درج یک بند در گزارش خود با تشکیک و وارد کردن ایراد به صورتهای مالی سازمان تامین اجتماعی در ارتباط با نحوه محاسبه و بروزرسانی بدهیهای بیمه ای دولت به سازمان تامین اجتماعی، حدود سیصد هزار میلیاردتومان از بدهی دولت را کاهش داده است. این درحالی است که سازمان حسابرسی در سال قبل چنین بند ایرادی را در گزارش خود درج ننموده است و این موضوع صرفنظر از مباحثات و مغایرت‌های قانونی به شرحی که ذیلا خواهد آمد، خلاف رویه، روال و استانداردهای حسابرسی است و نکته حائز اهمیت اینکه چنانچه این بند از گزارش سازمان حسابرسی، حذف